در حاشیه نشست

## از فیلخانه تا صادرات مخمل

در نشست «بازار و نقش آن در توسعه و تحولات اجتماعی تهران» که مورد استقبال پژوهشگران بسیاری قرار گرفت؛ سؤالات متفاوتی توسط شرکت‌کنندگان مطرح شد، موضوعاتی که هر کدام ماجرای جالبی دارد.

**ماجرای تیمچه فیلخانه و نخستین باغ‌وحش تهران**

یکی از مکان‌های جالب و سؤال‌برانگیز بازار تهران تیمچه فیلخانه است. ماجرا از این قرار بود که به فتحعلی شاه قاجار چند فیل هدیه کردند. او فیل‌ها را به مکانی انتقال داد که امروز به تیمچه فیلخانه مشهور است. بعدها با هدیه ۲ کرگدن دیگر و اضافه شدن آنها به فیل‌ها نخستین باغ‌وحش تهران در دل بازار راه‌اندازی شد.

بازار بین‌الحرمین
بازار تجریر-
نوروزخان

**عبادوزی‌های بین‌الحرمین**

به‌دلیل وجود مدارس دینی و حوزه‌های علمیه در بازار تهران، طلاب، روحانیون و افراد مذهبی بسیاری به این محدوده آمد و شد داشتند. همین شد که عبادوزی در بازار تهران به یکی از مشاغل پر مشتری این محدوده تبدیل شد؛ آنقدر که در گذشته بین ۷۰ تا ۸۰ مغازه عبادوزی و فروش لباس طلاب و روحانیون، در بازار بین‌الحرمین مشغول کار بودند.

**پدر امام‌جمعه تهران در ساعت‌سازی**

ماجرای تعمیرکاران ساعت هم در بازار تهران قصه و روایت‌های جالبی داشت. ساعت‌سازهای بازار تهران کار تعمیر را اغلب به‌صورت شفاهی و با آزمون و خطا آموختند؛ تا جایی که این رسم معمول همه ساعت‌سازها بود که کارشان را با خرابکاری شروع کنند. یکی از افراد متبحر در این کار آقا «محمد تقی» بود. این فرد آنقدر اجزای داخل ساعت را تغییر می‌داد تا عیب اصلی را پیدا کند. در دست چپ مسجد امام هم سیدنامی بود که فقط ساعت‌های قیمتی اعیان و اشراف را تعمیر می‌کرد. علاوه براین پدر مرحوم آیت‌الله طالقانی از تعمیرکاران ساعت در بازار تهران بود و در کنار مغازه‌اش علاوه بر تعمیر ساعت به طلاب هم درس می‌داد.

**نوادگان ائمه در بازار**

وجود امامزاده‌ها و بقاع متبرکه در بازار تهران، آن را به یکی از محدوده‌های تاریخی و مذهبی شهر تبدیل کرده است. امامزاده یحیی یکی از قدیمی‌ترین امامزاده‌های شهر تهران است و پیشینه آن به قرن نهم هجری می‌رسد. ابوالقاسم عزالدین یحیی که از علمای شهرهای قم و ری بود نسبش به امام سجاد(ع) می‌رسد. علاوه بر این، چند امامزاده دیگر نیز در دل بازار قرار دارند. ازجمله امامزاده «اسحاق» که در کوچه خدابنده‌لو واقع شده است. امامزاده «روح‌الله» که به امامزاده یک نفره نیز معروف است و بسیار مورد احترام یهودی‌ها بود در حیاط اداره مخابرات قرار دارد. امامزادگان سیدولی، سیدنصرالدین و امامزاده زید نیز از دیگر امامزاده‌های بازار تهران هستند.

**صادرات مخمل**

اساسا در فرهنگ ایرانی بیشتر فعالیت‌های صنعتی به روش کارگاهی انجام می‌شد و کارخانه چندان جایگاهی در این فرهنگ نداشت. کارگاه‌ها نیز عمدتا خانواده‌محور بود. برای مثال زمانی در تهران ۸هزار کارگاه مخمل‌بافی داشتیم و حتی از دل همین کارگاه ها به‌دنیا مخمل صادر می‌کردیم. به‌همین واسطه در دل بازار تهران تجار و کسب‌وکارهای نو ظهور کردند. آقایان ایروانی و خسروشاهی از تجار مدرنی بودند که در مدتی کوتاه کارگاه تولید پارچه‌های مقدم و چیت‌سازی را راه انداختند.

# آیینه تمام‌نمای تجارت و زندگی

### ششمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری با موضوع بازار و نقش آن در توسعه و تحولات اجتماعی تهران برگزار شد

میزگرد
**بهاره خسروی**
روزنامه‌نگار

بازار تهران از بناهای باارزش و تاریخی پایتخت است که قدمت بالایی دارد. طبق منابع تاریخی بنای اولیه بازار تهران در زمان شاه طهماسب اول ساخته شده است. خاندان صفوی ارادت زیادی به حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) داشتند و شاه‌طهماسب اول اغلب برای زیارت قبر جدش به این بقعه متبرکه سفر می‌کرد. البته همسایگی با شهر قزوین و پایتخت صفویان هم مزید برعلت توجه شاه طهماسب به آبادی کوچک تهران شد و دستور داد تا با خاک حصار بزرگی اطراف تهران که آن زمان فقط ۶ هزارمترمربع مساحت داشت، بسازند. تهران در زمان صفویان در مجموع ۴منطقه داشت. یکی از این مناطق با نام بازار شناخته می‌شد و این منطقه بعد از حصارکشی هم از نظر تجاری مورد توجه پادشاهان زندیه و صفویه قرار گرفت. براساس اسناد موجود و نوشته‌های «صنیع‌الدوله» چهارسوق بزرگ و کوچک در زمان فتحعلی‌شاه قاجار بنا شده است. در این دوران اطراف بازار بناهایی تاریخی مانند مسجد امام خمینی (مسجد شاه) و مسجدجامع ساخته شد. به مرور زمان مجموعه بازار، تا سمت ارگ و مسجدجامع گسترش و توسعه پیدا کرد و تبدیل به مکانی پررونق هم شد. اما دوره ناصرالدین شاه قاجار، به‌عنوان دوران طلایی بازار بزرگ شناخته شده است؛ زیرا در این دوره ساخت‌وسازهای فراوانی نظیر بازار امیر، سرای امیر و بازار کفاش‌ها انجام شد. موضوع ششمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری به «بازار و نقش آن در توسعه و تحولات اجتماعی تهران» اختصاص داشت. در این نشست «اردشیر آل عوض» محقق فرهنگ عامه به‌عنوان «کارشناس» و «محمود منیعی» به عنوان مجری کارشناس و جمعی از دوستداران تهران حضور داشتند. همراه ما شوید در سفر به بازار تهران که در آن از رمز و راز سراها، راسته‌ها، دالان‌ها و تیمچه‌های تاریخی تهران نوشته‌ایم.

### ۱ ارکان اصلی حکومت در تهران قدیم

بازار، ارگ و مسجد ارکان اصلی حکومت در تهران قدیم بود. اما چیزی که درباره هزار توی دالان‌ها، سوق‌ها، تیمچه‌ها و راسته‌های بازار همیشه پررنگ‌تر از بقیه دیده می‌شود حکایت معماری بی‌نظیر و تکرار نشدنی بازار تهران است. وجه کالبدی سراها، تیمچه‌ها، حجره‌ها و... مهم‌ترین رکن شهرت بازار تهران از جنبه زیبایی‌شناسی و معماری است که بخش‌هایی از آن برگرفته از معماری رومی است.

### ۲ بازار در کنترل داروغه

یکی از موارد مهم و قابل تأمل در بازار بحث‌ساز و کار اقتصادی و حضور نیروی انسانی و تأمین هزینه‌ها و کنترل قیمت‌ها است. در سیستم نظارت اداره بازار تهران ابتدا به محتسب‌ها و به مرور زمان کلانترها، نقیب‌ها درنهایت در دوره قاجار به داروغه‌ها سپرده شد. داروغه‌ها در تهران قدیم مسئولیت نظارت بر تنظیم بازار و قیمت‌ها را عهده‌دار بودند. در موضوعات دینداری، گرانفروشی و کم‌فروشی، مسائل اقتصادی، ورود پیدا می‌کردند. البته قیمت‌گذاری‌ها گاهی با اعمال نفوذ و قدرت همراه می‌شد، که چندان خوشایند کاسبان بازار نبود. به همین دلیل بلواهای زیادی در اعتراض به هزینه سنگین مالیات‌هایی که داروغه آن را تعیین می‌کردند در بازار تهران برپا شد.

### ۳ ستون فقرات مرکز خرید پایتخت

در روزگاری که تهران هنوز ردای پایتختی را بر تن نکرده بود و آبادی کوچکی در همسایگی بود تقریبا دوران سلطنت زندیه و اوایل قاجار به سبزه‌میدان دشتی بزرگ و وسیعی بود که تهرانی‌ها در آن سبزی کشت می‌کردند. به مرور زمان با محکم شدن پایه‌های سلطنت قاجارها این محدوده تغییراتی کرد و نامش به تخته پل تغییر پیدا کرد. در دوران فتحعلی‌شاه بخش تجاری سبزه‌میدان رونقی بیش از پیش پیدا کرد و بازاریان و کسبه در این میدان مستقر شدند. به مرور زمان وقتی امیر کبیر سکوی صدارت ایران را به‌دست گرفت دستور تغییراتی داد و در نخستین گام بساط کشت سبزی و اعدام مجرمان از این میدان جمع شد. این تغییرات باعث شد تا سبزه‌میدان تبدیل به نخستین میدان مدرن پایتخت شود و به «تخته پل» تغییر نام پیدا کند. درواقع ورودی اصلی بازار یا به تعبیری ستون فقرات بازار تهران که باعث شکل‌گیری راسته‌های تجاری شد از همین سبزه‌میدان شکل گرفت.

### ۴ نشان ویژه اوستایی

دوره صفویان در بازار تهران اوستاها حسابی برای خودشان بروبیایی داشتند و برای کسب این عنوان و نشان اوستایی کلی تلاش می‌کردند. البته این اوستا شدن در بازار هم ماجرایی پر دنگ و فنگ داشت و به راحتی هر کسی این افتخار نصیبش نمی‌شد. ماجرا از این قرار بود که افرادی که کاندیدای کمربند یا نشان ویژه اوستایی می‌شدند باید یکسری آزمون‌ها را از سر می‌گذراندند. اعضای هیأت داوران ریش‌سفیدان و معتمدان خود بازار بودند که در رأس آنها هم داروغه قرار داشت. بعد از رأی مثبت هیأت داوران برای اعتبار بخشیدن به کار داروغه با بستن بازوبند یا کمربند لقب اوستایی را به کاندیدای مورد نظر اعطا می‌کردند. در دوران صفویه کار در بازار و داشتن وجدان و حس تعلق خاطر برای جلب رضایت مشتری به نوعی حرمت داشت و باید کار و انتخاب کاسبان بازار با دقت نظر بیشتری انجام می‌شد.

### ۵ نشان اعتبار مرحوم طاهر

یکی از رسم‌های جالب بازار تهران قدیم برندسازی و تولید ابزار و لوازم باکیفیت و با طول عمر طولانی بود. کاسبان سعی می‌کردند، ابزاری را تولید کنند که از لحاظ هنری هم حائز اهمیت باشد. «مرحوم طاهر» یکی از این افراد مهم برندساز بود. شغل او حکاکی بود و ثبت مهر حکاکی طاهر روی کالاهایی که نیاز به ظریف کاری و نقره‌کاری داشتند، نشان از اعتبار کالای تولید شده بود.

### ۶ رسیدن به‌خودکفایی با مجمع الصنایع

در دوران امیرکبیر براساس الگوهای قدیمی برای ارائه خدمات بهینه و رسیدن به‌خودکفایی و تولید ملی، هنرستان مجمع الصنایع برای آموزش رشته‌های جدید تولیدی و فناورانه یا احیا و ارتقای برخی رشته‌های تولیدی از رونق افتاده راه‌اندازی شد. در این هنرستان ویژه، ۴۴استاد در رشته‌های مختلف هنری ۱۴۴هنرجو را برای آشنایی با علوم و فناوری روز آموزش می‌دادند. تجربه مدرسه مجمع الصنایع را باید کوشش دربار قاجار برای بازسازی و نوسازی بخش تولید دانست.

### ۷ معاملات با اعتبار

سازمان اقتصادی بازار سازوکار جالبی داشت. قبل از حضور صراف‌ها، اکثر بازاریان با استفاده از اعتبارشان معامله می‌کردند. این معاملات اعتباری تبعاتی هم داشت و آن خشم ماموران حکومتی بود؛ به‌دلیل اینکه بسیاری از این معاملات در جایی ثبت نمی‌شد تا دولت از بازاریان براساس گردش مالی مالیات اخذ نکند. البته حکومت هم بیکار نمی‌ماند و بازاریان را به انجام کارهای عام‌المنفعه مانند تعمیر ابنیه یا ساخت پل و کارهایی از این دست مجبور می‌کرد. این ماجرا هم چندان خوشایند مذاق بازاریان نبود.

### ۸ باج سبیل داروغه

داروغه مسئول نظم و نسق بازار بود، اما گاهی صراف‌ها برای توسعه کسب‌وکارشان به او باج سبیلی می‌پرداختند. البته در این میان محدودیت‌هایی که برای بازاریان از سوی عمال حکومتی تحمیل می‌شد و همین ماجرای آتش زیر خاکستر برای بازاریان بود تا آنها در پاسخ غائله‌های بزرگی را برپا کنند.

### ۹ پیوند بازاریان با روحانیون

آنطور که در منابع تاریخی آمده در دوره‌ای از تاریخ بازاریان با روحانیون رابطه تنگاتنگی داشتند و از آنها حمایت می‌کردند. یکی از این موارد، ماجرای تحریم توتون و تنباکو بود که دولت امتیاز انحصاری آن را به دولت انگلیس داد و بازاریان نخستین کسانی بودند که در اعتراض به این اقدام حکومتی به روحانیون پیوستند؛ اتفاقی که نخستین پیوند مستحکم روحانیون و بازاریان را رقم زد و باعث شد با صف‌آرایی بازاریان، مردم و روحانیون این امتیاز لغو شود.

### ۱۰ سرایدارها و باربرها

الگوی توزیع و رساندن جنس به‌دست مشتری یکی از مهم‌ترین ارکان بازار تهران قدیم بود. در بازار تهران افرادی بودند که با کول کردن و گذاشتن اجناس بر شانه و پشت به‌عنوان باربر فعالیت داشتند. باربرها افراد شناخته شده و شناسنامه‌دار بازار و همچنین امین و مورد اعتماد سرایداران بودند. اما این سرایدارها چه کسانی بودند؟ افرادی که دربازار مسئولیت ورود و خروج کالاها را ثبت و ضبط می‌کردند. درواقع سرایدارها مسئولیت جابه‌جایی کالاها را در بازار برعهده داشتند. آنها بدون دریافت ضمانت کالاها را جابه‌جا می‌کردند و درصورت صدمه دیدن کالا در طول مسیر خسارت را خود سرایدار از دستمزدش کم می‌کرد.

### ۱۱ قیمت‌گذاری به پیشنهاد مسئول صنف

قیمت‌گذاری کالاها در بازار تهران هم حکایت جالبی داشت. معمولاً برای قیمت‌گذاری مسئول هر صنفی قیمت کالای مورد نظر را به اتاق اصناف که اعضای آن متشکل از نماینده دولت و صنوف بود پیشنهاد می‌داد. درصورت تصویب و اجرایی شدن قیمت نهایی اعلام می‌شد. قبل از شکل‌گیری اتاق اصناف و آیین‌نامه نظام جدیدصنفی معمولاً برای قیمت‌گذاری معتمدان نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. برای مثال آن زمانی که اتیکت‌گذاری روی اجناس رواج پیدا کرد، روی کالاها ۲ مبلغ خرید و فروش زده می‌شد. مهم‌تر اینکه قیمت ثابت و یکسان بود و اگر به ۵۰مغازه هم سر می‌زدی قیمت خرید و فروش یکی بود.

### ۱۲ راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه

با باز شدن پای سیستم نظام بانکی به ایران، بعضی از افراد معتقد بودند این سیستم رد و بدل پول از وام گرفته تا الی آخر اشکال شرعی دارد، برای همین بازاریان دست به راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه زدند تا مال حرام و ربا وارد کسب‌وکار و تجارت‌شان نشود. هنوز هم بسیاری از صندوق‌های قرض‌الحسنه بازار ازجمله صندوق قرض‌الحسنه جاوید فعال است و در مقایسه با نظام بانکی موفق‌تر است. بازارچه‌های اقوام تهران در ابتدای روزگار پایتختی‌اش بیشتر از ۵محله نداشت. محله‌هایی که در آن اقوام و قومیت‌های مختلفی ساکن بودند. بنا بر اسناد موجود، در داخل بازار تهران چیزی بیش از ۱۰۰بازارچه وجود داشت که اغلب این بازارچه‌ها متعلق به اشخاص، اقوام و افراد اثرگذاری بودند که محصولات‌شان را در آن عرضه می‌کردند.

### ۱۳ تیمچه همسر فرنگ رفته ناصرالدین شاه

یکی از تیمچه‌های معروف بازار تهران، تیمچه امین اقدس است که در آن فرش ماشینی و دستی می‌فروشند. امین اقدس تنها همسر ناصرالدین شاه بود که در رکاب شاه به فرنگ سفر کرد. او هرگز مادر نشد و از افراد معتمد و قابل اعتماد شاه بود و به‌دلیل امانتداری و درایتی که داشت عهده‌دار تمام امور مالی همسرش بود. خانه مسکونی امین اقدس سه‌راه امین حضور، این روزها از سوی شهرداری خریداری شده و به‌عنوان یک بنای ارزشمند تاریخی به‌عنوان خانه مهربان به یادگار مانده است.

### ۱۴ زعفران باجی که بود؟

یکی از چهره‌های سرشناس بازار در حوزه موسیقی و راه‌اندازی بساط شادی فردی به نام زعفران باجی بود. زعفران باجی در گوشه‌ای از بازار بزرگ تهران حضور داشت که محل تجمع اهل موسیقی بود و اگر کسی در خانه بساط مراسم شادی داشت، حتماً از تیم زعفران باجی دعوت می‌کرد. محل حضور تیم زعفران باجی در بازار به مرور زمان تغییر می‌کرد و درنهایت به ضلع شرقی امامزاده سیداسماعیل روبه‌روی حمام گلشن رسید. اما چرخ گردون گشت تا اجرای بساط شادی و موسیقی برای مجالس به‌دست غربتی‌ها از شاخه هندوها افتاد. درواقع غربتی سکان کار را از دست زعفران باجی و تیمش گرفتند و به رغم کم‌اطلاعی از ردیف‌های موسیقی، سعی می‌کردند تا به بهترین شکل بساط شادی را فراهم کنند.

### ۱۵ تیمچه سرفراش عنق قاجاری

تیمچه حاجب‌الدوله از بخش‌های معروف بازار تهران است. این تیمچه متعلق به سر فراش عنق و باجگیر ناصرالدین شاه بود. جعفر شهری درباره شخصیت حاجب‌الدوله نوشته است: «حاجب‌الدوله بسیار عنق بود و برای اینکه بتواند از آدم‌ها پولی را تلکه کند، موضوعی را انتخاب نکرده، می‌گفته عضو فراموش خانه هستی، یا به یکی می‌گفته شب‌نامه توزیع کردی و با این کار توانسته بود پول هنگفتی را به جیب بزند.»

### ۱۶ ۲نقاره خانه در مرکز تجاری پایتخت

دربازار تهران هرکدام از اقوام ایرانی مانند قزوینی‌ها، یزدی‌ها، خوانساری‌ها و... تیمچه‌ها و دالان‌هایی را به نام خودشان دارند. علاوه بر این در بازار تهران ۲ نقاره خانه داریم که به نقاره خانه اول و دوم معروف است.

### ۱۷ کری‌خوانی‌های صاحبان تیمچه‌ها

یکی از موضوعات جالب در بازار تهران که باعث افزایش تعداد تیمچه‌ها شد، کری‌خوانی صاحبان تیمچه‌ها است. برای مثال فردی پرمدعا در دل بازار تهران تیمچه‌ای به نام گلشن بنا می‌کند. برای کری‌خوانی فرد دیگری تیمچه مشابه یا پر جلال و جبروت‌تری را می‌ساخت و نامش را گلشن شکن می‌گذاشت. این قصه کری‌خوانی در بازار باعث شکل‌گیری و رونق مشاغل و حرفه‌های بسیاری شد.

### ۱۸ تیمچه‌های وقفی

بعضی از تیمچه‌ها در بازار تهران وقفی است یا بانیان آنها فقها و بزرگان علوم دینی هستند. برای مثال بخش عمده بازار مسگرها از موقوفات مرحوم «ملاعلی کنی» است و در این بازار کمتر کسی صاحب مغازه است و شاغلان در آن عموماً مغازه‌شان را از موقوفه اجاره کردند. تیمچه یا گذر ملاعلی کنی از معروف‌ترین تیمچه‌های بازار تهران است.

### ۱۹ مسگرها چگونه صحبت می‌کردند؟

مشاغل و صنوف زیادی در بازار تهران قدیم فعالیت می‌کردند که همچنان حیات‌شان به قوت خودش باقی مانده است. البته حرفه مسگری و آهنگری از بقیه مشاغل بازار پر رونق‌تر بود که تا اواخر دوره پهلوی اول برای خودش برو بیایی داشت. از ماجراهای جالب بازار مسگرها، زبان بدن آنها برای صحبت کردن با یکدیگر بود. آنها به‌دلیل سر و صدای زیاد مسگرها در زمان کار با ایما و اشاره با یکدیگر صحبت می‌کردند.

### ۲۰ ۴۰شغل در بازار آهنگرها

حدود ۴۰ شغل مرتبط در بازار آهنگرهای تهران قدیم فعالیت می‌کردند. این مشاغل شامل قیچی‌سازی، چاقو و کاردسازی، قفل‌سازی، چلنگری (ساخت در و پنجره)، لوازم و ابزار آهنگری و... بود. اما به مرور زمان با توسعه زندگی شهری حرفه آهنگری به‌عنوان یکی از مشاغل سخت و زیان‌آور به خارج از بازار و اطراف تهران منتقل شد.

### ۲۱ مشیر الخلوت کجاست؟

مکانی در بازار تهران به‌عنوان مشیرالخلوت یا سرای گبرها وجود دارد. این مکان متعلق به پیروان ادیان دیگر مانند یهودی‌ها و زرتشتی است که در دل بازار تهران حجره داشتند. همچنین یکی دیگر از مکان های مقدس بازار تهران کلیسای تادئوس است. این کلیسا به دست خانواده‌ای ارمنی که به دستور فتحعلی‌شاه برای شیشه بری کاخ گلستان از اصفهان به تهران آمده بودند ساخته شد.

### ۲۲ مدارس علمیه در بازار

در دل بازار تهران مدارس و مساجد معروف زیادی ساخته شده که علما و افراد فرهیخته زیادی در آن تحصیل کردند. مدرسه مروی، مدرسه صدریه، مدرسه ملاجعفر، مسجد سیدعزیزالله که پیش‌نماز آن «آیت‌الله العظمی مرحوم خوانساری» از عالمان ساده زیست بود. از مدارس گمنام بازار تهران هم مدرسه صدر یا صدریه است. در این مدرسه «آیت‌الله حسن‌زاده آملی» و «علامه شرقانی» تدریس می‌کردند.

### ۲۳ واعظان منتقد مشهور بازار

مرحوم «واعظ اصفهانی» پدر سید جمال‌الدین اسدآبادی از سخنرانان نواندیش مساجد بازار تهران بود. او در خطابه‌اش عموماً به جامعه سنتی و فضای حاکم بر آن انتقاد می‌کرد و این ماجرا به مذاق بازاری‌ها چندان خوش نمی‌آمد و موجب ناراحتی و اعتراض آنها بود. و هر ساله کلی شکایت از این واعظ از سوی بازاریان انجام می‌شد و دائما از سوی مقامات مورد استنطاق قرار می‌گرفت. «ملک المتکلمین» هم از دیگر واعظان مشهور بازار تهران چندان خطابه‌اش مورد توجه بازاریان نبود.

### ۲۴ پاتوق فرهنگی متفاوت

یکی از دیدنی‌ترین پاتوق‌های فرهنگی در قلب بازار تهران کتابخانه «حاج حسین آقا ملک» است که بیش از ۹هزار مجلد نسخه خطی در خود جای داده است.

### ۲۵ وصلت با هم‌صنفان

یکی از رسم‌های پرماجرا و جالب میان بازاریان تهران وصلت با هم‌صنفان است. به‌دلیل اینکه بیشتر معاملات در بازار تهران بر پایه حرف واعتبار بود برای وصلت هم سعی می‌کردند، سراغ هم‌صنفان خودشان بروند که هم به آنها اطمینان بیشتری داشتند و هم ازدواج‌ها پایه‌ای محکم برای معاملات‌شان بود. برای مثال صنف طلافروش برای پسرشان سراغ دختر یک طلافروش می‌رفتند.

### ۲۶ هر صنف یک هیئت

برنامه‌های ویژه‌ای در طول سال، دربازار تهران برگزار می‌شود که این برنامه‌ها در محرم با برپایی هیئت به اوج خودش می‌رسد. تعزیه‌خوانی، چهار پایه‌خوانی و آماده‌سازی و طبخ و توزیع نذورات ازجمله این برنامه‌هاست. بخش دیگر عزاداری‌های بازار تهران مربوط به برپایی هیئت اصناف است. در دل بازار تهران هر صنفی هیئتی دارد که براساس نوع کسب‌وکارشان در آن فعالیت می‌کنند.

> سازمان اقتصادی بازار سازوکار جالبی داشت. قبل از حضور صراف‌ها، اکثر بازاریان با استفاده از اعتبارشان معامله می‌کردند. این معاملات اعتباری تبعاتی هم داشت و آن خشم ماموران حکومتی بود

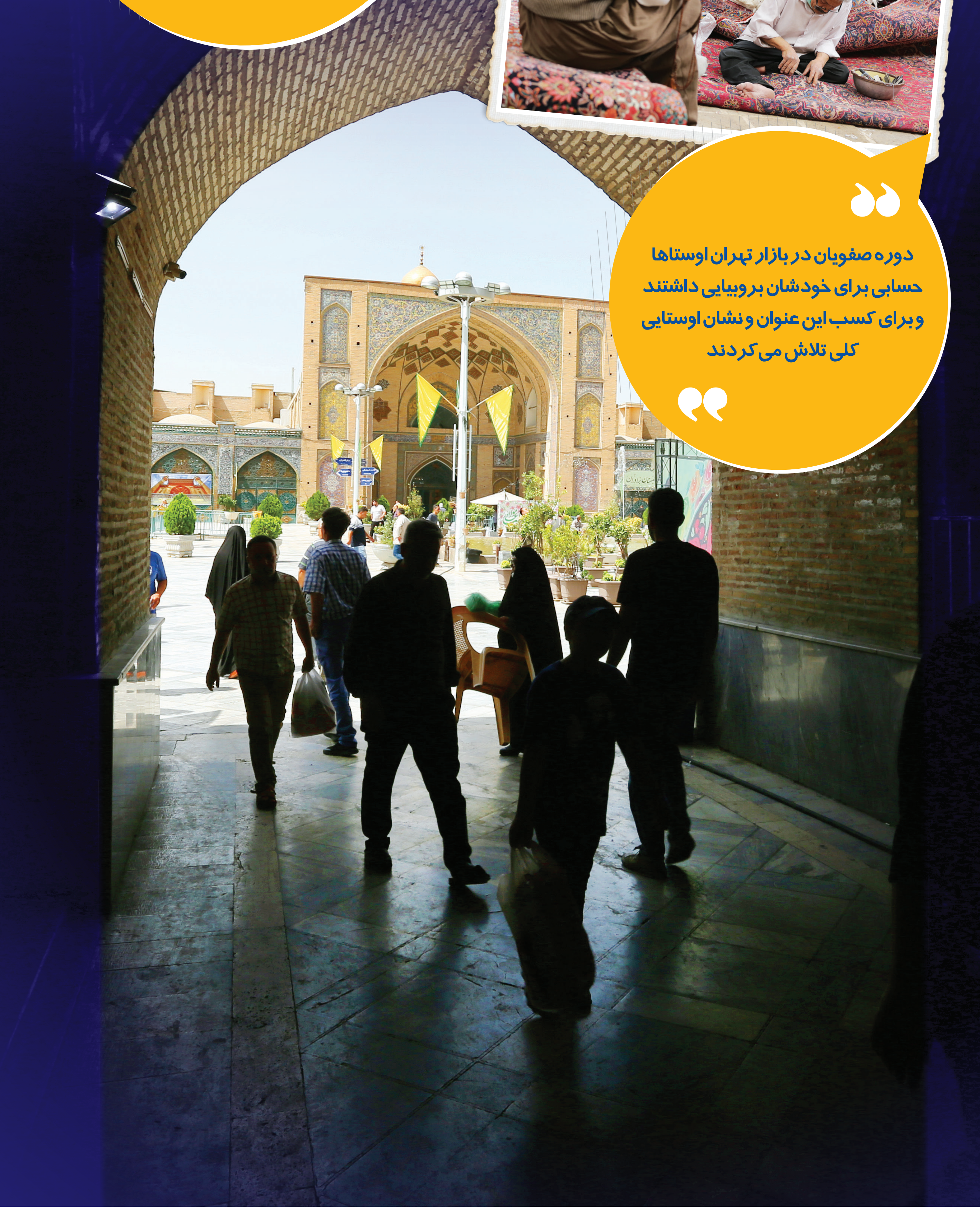

> دوره صفویان در بازار تهران اوستاها حسابی برای خودشان بروبیایی داشتند و برای کسب این عنوان و نشان اوستایی کلی تلاش می‌کردند

## چهره‌های موفق بازار پایتخت

اصناف و بازاریان از مهم‌ترین اقشاری بودند که با توجه به ماهیت شغلی‌شان، کارکردهای اقتصادی و اجتماعی پر رنگ‌تری داشتند. بخشی از گفت‌وگوی نشست «بازار و نقش آن در توسعه و تحولات اجتماعی» تهران درباره چهره‌های موفق بازار بود که در زیر کوتاه به آن اشاره شده است.

**حاج آقا کلام؛ نخستین واردکننده ساعت**

از سبزه‌میدان که به سمت بازار تهران می‌روید مغازه ساعت‌سازی حاج آقا کلام واردکننده ساعت در تهران قرار دارد. حاج آقا کلام نخستین واردکننده ساعت به ایران بود و نمایندگی انواع ساعت‌های مارک‌دار را داشت. برای خانواده کلام، ساعت‌سازی، فروش و واردات آن حرفه‌ای موروثی است.

**پارچه‌فروشی خاندان سادات اخوی**

خاندان سادات اخوی از تجار معروف بازار در صنف پارچه هستند. اگر مشتری پر و پا قرص خرید از بازار تهران باشید، حتماً مغازه شلوغ و پر مشتری این خانواده را دیده‌اید که بسیارصبورانه با مشتری ها برخورد می‌کنند. خاندان سادات اخوی در میدان شهدا حسینیه ۲۴۰ساله‌ای دارند که در مناسبت‌های مذهبی به‌ویژه ایام‌ماه محرم و صفر برنامه‌های ویژه‌ای در آن برگزار می‌شود.

**واردکننده‌های مس از بلژیک**

بازار مسگرها در دل تهران از بازارهای معروف تا زمان پهلوی اول بود. در این بازار ۲ برادر به نام‌های حاج احسان و حسین واردکننده مس از کشور بلژیک به بازار تهران بودند.

**برادران عسگر اولادی**

برادران عسگراولادی از چهره‌های سرشناس بازار تهران بودند. مرحوم «حبیب‌الله عسگراولادی» زمانی وزیر بازرگانی دولت موقت مهدوی کنی، مؤسس و عضو حزب موتلفه اسلامی، نمایندگی ولی فقیه در کمیته امداد امام خمینی(ره) و بنیاد ۱۵خرداد و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.همچنین برادرش مرحوم «اسدالله عسگراولادی» عضو اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران و از برجسته‌ترین بازرگانان ایران بود و تلاش زیادی برای حمایت از کشاورزان و تولیدکنندگان حوزه خشکبار داشت.

**حاج نایب و بازار کتاب‌فروش‌ها**

یکی از راسته های معروف فرهنگی بازار تهران، بازارحاج نایب در خیابان ناصرخسرو است که به کتابفروشی اختصاص دارد.حاج نایب از فعالان اجتماعی و فرد خوشنامی بود که ازشهر قم به پایتخت مهاجرت کرد. مرحوم نایب، بانی اسکان کتاب‌فروش‌ها در خیابان ناصرخسرو بود درحالی‌که تا قبل از این ماجرا عمده فعالیت کتابفروشی‌ها دربازار حلب‌فروش‌ها انجام می‌شد. در این بازار کسانی که قلم، دوات، لیقه و کاغذ می‌فروختند، هم حضور داشتند. انتشارات علمی و مطبعه صدوق از نخستین کتابفروشی‌های خیابان ناصرخسرو بود؛ هرچند این روزها راسته کتابفروشی‌ها به میدان انقلاب وکریمخان منتقل شده و یکی دو پاساژ بیشتر در خیابان ناصر خسرو باقی نمانده است. البته روزگاری خیابان ۱۵خرداد به‌دلیل وجود کتابفروشی‌ها و انتشاراتی‌ها پاتوق نویسندگان، علما و اهل قلم بود. در این خیابان حدود ۱۷کتابفروشی ازجمله کتابفروشی‌های خزر، ابن‌سینا، جهان یا دارالکتاب که قدمتی ۱۳۸ساله دارد، وجود داشت.

دریچه

## ساختار متنوع و دیدنی بازار

سر توماس هربرت، سیاح اروپایی در سفرنامه خود به ایران در سال ۱۱۰۸ قمری یعنی در دوره صفویه، بازار بزرگ تهران را فاقد سقف توصیف می‌کند. در میان اماکن بازار تهران، بازار بین‌الحرمین از ساخته‌های دوره محمدشاه قاجار و بازار امیر، سرای امیر و بازار کفاش‌ها از افزوده‌های دوران ناصرالدین شاه است. با پیشرفته‌تر شدن شهرنشینی و معماری در تهران، بازاربزرگ هم دستخوش تغییراتی شد به‌طوری که قسمت‌های زیادی از آن نوسازی شد و حتی قسمت‌هایی از آن نیز به همین واسطه از بین رفت. در این بخش نگاهی به اجزای طراحی شده در معماری بازار تهران قدیم داریم.

**دالان و بند**

دالان یا بند در معماری بازار تهران از فضاهای ارتباطی مهم است که غالباً در فضاهای معماری به شکل خطی نقش رابط بین فضای بیرونی با فضای درونی ساختمان یا تنها بین فضاهای درونی بنا را دارد. دالان‌ها غالباً به‌صورت کوچه یا راسته‌ای کوچک و فرعی است که از یک سمت به راسته‌ای دیگر و از سوی دیگر به یک کاروانسرا مربوط است و به‌طور معمول در دوسوی آن تعدادی حجره و دکان وجود دارد.

**چهارسوق**

در بازار تهران محل تقاطع ۲راسته اصلی مهم بازار را چارسو یا چهارسوق می گویند. در بعضی موارد هم در محل برخورد ۲راسته طراحی شده بازار، فضایی به‌صورت چهارسو می‌ساختند. در بازار چهارسوق‌های تاریخی داریم که به ثبت ملی رسیده است؛ مانند چهارسوق بزرگ، چهارسوق چوبی یا چهارسوق کوچک که تا زمان پهلوی اول این چهارسوق وجود داشت.

**جلوخان**

جلوخان از فضاهای ارتباطی بازار است که شکل میدانچه دارد.این فضا از ۳ یا ۴طرف محصور است و به‌عنوان یک فضای ورودی، مکث یا تجمع از آن استفاده می‌شود. قدیم‌ها علاوه بر بازار درمقابل منزل اعیان و اشراف جلوخان ساخته می شد. جلوخان مسجد امام خمینی(مسجد شاه) یکی از معروف‌ترین جلوخان‌های به یادگار مانده از دوران قاجار است.

**کاروانسراها**

کاروانسراها از مهم‌ترین فضاهای معماری سنتی بازار تهران است. علت شکل‌گیری کاروانسراها در حوالی بازار و محدوده شهری تهران تأمین جایی برای اتراق مسافرانی بود که از شهرهای دور و نزدیک برای خرید و سفر راهی دارالخلافه می‌شدند. البته به مرور زمان کارکرد بخشی از کاروانسراها شبیه چیزی مثل پاساژهای امروزی و باعث افزایش واحدهای تجاری محدوده بازار هم شد. تا اینکه به مرور زمان با توسعه بازار و تغییر سبک زندگی کارکرد کاروانسراها تغییر کرد.

**تیم و تیمچه**

به کاروانسراهای بزرگ، تیم و کاروانسراهای کوچک دربازار تهران قدیم تیمچه گفته می‌شد. کارکرد تیم و تیمچه خصوصیات مشابهی با سراها دارد. طراحی سراها عموماً بدون طاق است ولی تیمچه‌ها یک یا چند طاق مرتفع روی حیاط مرکزی دارند. به‌دلیل اینکه طاق‌نماها اکثراً از زیر قابل رؤیت هستند، شکیل ترین و زیباترین کاربندی‌ها و یزدی‌بندی‌ها زیر طاق‌های تیم ها و تیمچه‌ها ساخته می‌شد.

**بارانداز و انبار**

قدیم‌ها که هنوز خبری از تکنولوژی و پیشرفت و ماشین و موتورهای حمل بار نبود حمل کالاها عموماً توسط چهارپایان انجام می‌شد و این چهارپایان اجازه ورود به بازار را نداشتند بنابراین در پشت سراها فضاهایی به‌عنوان بارانداز، انبار، خانبار برای تخلیه بار وجود داشت. اغلب بارها از خانبار به‌سراها و دکان‌ها منتقل می‌شد.

**حجره و دکان**

کوچک‌ترین فضای معماری دربازار تهران که معمولاً در دوطرف راسته‌ها به‌صورت خطی قرار گرفته است حجره یا دکان نام دارد. مساحت حجره‌ها به‌طور متوسط از ۱۰ تا ۲۵مترمربع است. گاهی برخی حجره‌ها حدود ۷۵سانتی‌متر از سطح معبربالاتر ساخته می‌شدند به همین دلیل زیر آن یک انبار می‌ساختند. بعضی حجره‌ها هم که علاوه بر عرضه، خودشان کالا را تولید می‌کردند، کفشان همتراز سطح معبر یا اندکی پایین‌تر بود؛ مانند آهنگری‌ها، مسگری‌ها و نجاری‌ها. بعضی هم قسمتی از انتهای دکان را که با دیواری جداکننده از فضای اصلی حجره جدا می‌شد به‌عنوان صندوق خانه استفاده می‌کردند.